

نخستین همایش ملی قرآن کریم و روابط بین الملل

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدم شما میهمانان بزرگوار و فرهیختگان را گرامی می‌داریم. از ذات اقدس الهه مسئلت می‌کنیم خدماتی که تاکنون ارائه فرمودید به بهترین وجه بپذیرد و توفیق ارائه خدمات برتر و بهتر را به همه شما مرحمت کند و از برگزار کنندگان این همایش وزین حق‌شناسی می‌کنیم و توفیق آنها را مسئلت می‌کنیم.

عنصر محوری این همایش «قرآن و روابط بین‌الملل» است. قرآن چون خود را جهان شمول می‌داند جهانی می‌اندیشد و جهانی سخن می‌گوید و انسان‌های جهان‌بین می‌پروراند. اگر کسی در مملکت مشغول انجام وظیفه است او هم موظف است جهانی بیندیشد اگر چه محلی یا منطقه‌ای عمل می‌کند. جهان شمول بودن قرآن بر اساس فطرت عمومی مردم است. اگر خداوند قرآن را به عنوان ذکران البشر، پیامبر را به عنوان رحمة للعالمین، کافه للناس و مانند آن معرفی کرد سند این حرف را هم بازگو کرد. وقتی منطقی می‌تواند جهانی باشد قوانین می‌تواند جهان شمول باشد که هم از مبدأ فعالیت جهان نشأت گرفته باشد و هم با مبدأ قابلی جهان پیوند ناگسستنی داشته باشد. اگر قانون از زبان یک عده‌ای، یا در سرزمین عده‌ای یا در زمان خاصی صورت پذیرد این جهانی نخواهد بود زیرا زمان، زمین و زبان و مانند آن گوناگونند. اما اگر قانونی هماهنگ با فطرت بشر بود خدای فطرت آفرین چنین فرمان داد: «لا تبدیل خلق الله.» پس فطرت، یک اصل ثابت و مشترک است. چون فطرت اصل مشترک است، قوانین فطرت‌پذیر می‌تواند جهانی باشد چون خدای سبحان خالق همه است قانون صادر شده‌ی از ذات اقدس الهه می‌تواند جهانی باشد. آنگاه وزارت امور خارجه، کارگزاران بزرگوار این نهاد می‌توانند در شرق و غرب عالم لسان خوبی، ترجمان خوبی، سفیر خوبی برای جمهوری اسلامی باشند که اینها هم جهانی بیندیشند و جهانی فکر کنند و جهانی عمل کنند. وقتی این اصول حاصل می‌شود که از طرف مبدأ فاعلی ارتباط ناگسستنی با خدا برقرار باشد و از طرف مبدا قابلی ارتباط عمیق با فطرت. کسی که موحد است و الهی می‌اندیشد و کسی که دارای فطرت پاک است، این در مشرق عالم یا در مغرب عالم می‌تواند نماینده خوبی برای جمهوری اسلامی باشد. این مطلب اول.

مطلب دوم آن است که قرآن کریم ما را دستور داد که با همگان مؤدبانه سخن بگوییم، مهربانانه حرف بزنیم، زیبا حرف بزنیم، خوب حرف بزنیم و حرف خوب بزنیم. «قولوا للناس حسنا». گاهی سخن در حوزه اسلامی است گاهی سخن در حوزه الهی اهل کتاب است و گاهی سخن در حوزه جهان است. آنجا که می‌فرماید قولوا للناس حسنا یعنی با مردم هم خوب حرف بزنید، هم حرف خوب. خوب حرف زدن و ادب را رعایت کردن جاذبه ایجاد می‌کند. حرف خوب زدن انسان را مقتدر

می‌کند. یک حکیم، یک عالم، یک فرهیخته، یک فرزانه وقتی حرف عمیق علمی ارائه کرده است نه تنها مرعوب هیچ پیشرفتی نمی‌شود بلکه این رسالت را دارد که عده‌ای را مجذوب دانشوری خود بکند. معنای «قولوا للناس حسنا» این نیست که برابر میل دیگران حرف بزنید. آنکه عوام اندیش است یا عوام فریب است یا عوام زده است، از نظر آیات قرآن کریم مطرود است. خدای سبحان وقتی جریان ذلت‌پذیری بین اسرائیل را در برابر استکبار فرعون یاد می‌کند می‌فرماید: «فاستخف قومه وعطاوه». او چون ملت خود را خفیف و تهی مغز کرد آنها را شستشوی مغزی داد توانست بر آنها مسلط شود یا خدای سبحان به رسول گرامی و رهبران الهی دستور می‌دهد «لایستخفنک الذین لایوقنون» آنها که عوامند و نفوذ عوامی دارند و خواسته عوامی دارند در شما نفوذ نکنند. این خطر یعنی عوام‌اندیشی، عوام فریبی، عوام‌پذیری به میل عوام حرف زدن، عوامانه حرف زدن، عوامانه زندگی کردن و همیشه انسان را مرعوب می‌کند. این قول حسن نیست چیزی حسن است که به تعبیر قرآن کریم مستحکم و استوار و متقن و برهانی باشد. «قولوا قولاً سدیداً» آن قول سدید، حسن است. زیبایی در برهانی بودن سخن است. زیبایی در طهارت سخن است. این هم یک مطلب.

مطلب سوم آن است که اگر کسی نماینده نظام اسلامی باشد باید از منظر اسلام با جهان سخن بگوید. هرگز چیزی او را مرعوب نکند. در تحف العقول آمده است یک مسیحی به حسب ظاهر متمدن آن روز، وارد مدینه شد با جامه‌ی فاخر، با رفتار اعجاب‌انگیز. برخی از مسلمانانها گفتند: «ما اعقل هذا الرجل» چه قدر این مرد خردمند و عاقل است. وجود مبارک رسول گرامی علیه و علی آله آلاف التحية والسلام فرمود: «مه ان العاقل من وحده الله» آرام باش. مرعوب مشو. عاقل کسی است که برای جهان یک مبدأ یگانه و یکتا معتقد باشد. کسی که گرفتار تثلیث و امثال تثلیث است او نمی‌تواند خردمند باشد. «مه ان العاقل من وحده الله». اگر کسی مرعوب پیشرفت صنایع دیگری نشد می‌تواند علوم تجریدی را سایه افکن علوم تجربی قرار بدهد تا علوم تجربی و حسی در پرتو علوم تجریدی و عقلی مشکل دنیا و آخرت مردم را حل کند. پس رسالت دوم و مطلب دوم آن است که انسان هرگز کوتاه‌بین نباشد، سخن خام نگوید، به این فکر نباشد که عوام را راضی کند. مطلب سوم آن است که امت اسلامی نفوذناپذیر است، قرآن نفوذناپذیر است. اگر قرآن آسیب‌پذیر نیست و اگر امت اسلامی آسیب‌پذیر نیست، نمایندگان نظام اسلامی در سراسر جهان باید آسیب‌پذیر نباشند. این آسیب‌پذیر نبودن را قرآن کریم در استواری و استحکام و اتقان علمی و عملی جامعه معرفی کرد. فرمود: «وليجدوا فيكم غلظة»، یعنی شما آنقدر از نظر علم سست‌تر باشید که دیگران قدرت و اقتدار و عزت و مناعت شما را بیابند. فرمود «اغلظوا عليهم»، با مردم با حکومت‌ها یا ملت‌ها با خشونت رفتار کنید. چنین چیزی را دستور نداد. اگر گفته بود «اغلظوا عليهم»، یک راه دیگری بود. اما فرمود: «وليجدوا فيكم غلظة»، این امر غایب است. یعنی دیگری در شما حتما سست‌ری را احساس کند. شما مانند سلسله جبال باشید که هیچ کس به خود اجازه نمی‌دهد با سلسله جبال درافتد و گرنه سرشکسته می‌گردد. اگر استحکام و بنیان مرصوصی شما را بیگانه احساس کند، چه اینکه به لطف الهی این ایام احساس کرده‌اند، با پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها و فن‌آوری مسئولان علوم تجربی از یک سو مسئولان علوم تجریدی و عقلی و فلسفی و برهانی و عرفانی و قرآنی رهبران الهی از سوی

دیگر احساس کردند، طمع نمی‌کنند. وقتی جامعه اسلامی و همچنین نمایندگان نظام اسلامی می‌توانند حرف قرآن را به جهان منتقل کنند که عاقلانه بیندیشند و عادلانه عمل کنند. «وليجدوا فيكم غلظه». مطلب بعدی آن است که آنچه که می‌تواند روابط بین‌الملل را حفظ کند، ایمان است. گر چه ایمان اصل است ولی چون همه مؤمن نیستند، برخی کافرند، برخی ملحدند، برخی موحد غیر اسلامی‌اند، برخی مسلمان که از توحید ناب برخوردارند، آنچه که جهان کنونی را اداره می‌کند، «ایمان» است. آنچه که باید جهان را اداره کند ایمان است و وقتی وجود مبارک ولی‌عصر ارواح‌افشاده ظهور کردند، جهان را ایمان اداره می‌کند. وقتی ایمان بود، اعتقاد بود، ایمان و پیوند و کنسوانسیون و تفاهم و قطع‌نامه‌ها هم محترم است. در قرآن کریم این چنین فرمود. فرمود ائمه کفر، رهبران کفر، طاغیان و مستکبران کسانی‌اند که به هیچ کنوانسیون، به هیچ تفاهم، به هیچ قطع‌نامه، به هیچ تعهد پایبند نیستند. «قاتلوا ائمه الکفرانه لا ایمان لهم» فرمود لا ایمان لهم. فرمود با استکبار و صهیونیسم و امثال اینها مبارزه کنید نه برای اینکه کافرند. چون خیلی هستند که کافرند ولی از زندگی مسالمت‌آمیز طرفی می‌بندند و در سوره مبارکه ممتحنه مطلبی است که همان مطلب به صورت یکی از اصول قانون اساسی در آمده که کشورهای اسلامی می‌توانند با کشورهای غیرمسلمان در صورتی که آنها در صدد براندازی نرم و درشت نیستند، تحریم نمی‌کنند، مزاحمتی برای نظام اسلامی و مسلمانها نیستند خدا نهی نمی‌کند که شما با آنها معتدلانه رفتار کنید. «لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین» آنهایی که مظاهر اخراج شما نیستند، در تبعید شما، براندازی شما تلاش و کوشش نکرده نمی‌کنند. خدا نهی نکرده که شما با آنها زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشید. «أن تبروا وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» بلکه امر کرده که مقسطانه و عادلانه با آنها رفتار کنید. مشکل جامعه کنونی مشکل بی‌ایمانی است نه بی‌ایمانی. ایمان جمع‌یمن است، سوگند است، یعنی قطع‌نامه‌ها، یعنی تفاهم، یعنی پیمان، یعنی تعهد. کسی که به تعهد عمل نمی‌کند، زندگی با او مقدور نیست. فرمود درباره این گونه افراد شما ناچارید از مبارزه طرفی ببندید و مبارزه‌تا این باشد که سلطه‌پذیری آنها را نپذیرید، جواب نفی به تحریم‌های آنها، به خواسته‌های نامعقول و نامشروع و نامقبول آنها بدهید. بنابراین اگر ملتی از نظر علم و از نظر صنعت و از نظر اقتصاد و اعتقاد مستقل بود دیگران درباره چنین ملتی هرگز طمع نمی‌کنند. «وليجدوا فيکم غلظه» اینها اصول کلی است که نمی‌توان با این اصول کلی هم در بخش‌های محلی هم بخش‌های منطقه‌ای که مربوط به موحدان است، هم در بخش‌های بین‌المللی که اعم از مسلمان و غیرمسلمان است انسان یک زندگی سعادت‌مندانه، عاقلانه، عادلانه داشته باشد و اگر ان شاء الله به این اصول عمل کند بشود به سایر اصول و فروعی که قرآن کریم وعده داده است، به آنها خواهیم رسید. من مجدداً مقدم شما را گرامی می‌داریم و از دست‌اندرکاران و برگزارکنندگان این همایش وزین قرآن و روابط بین‌الملل حق‌شناسی می‌کنم و از ذات اقدس الهه مسئلت می‌کنیم که نظام ما، رهبر ما، دولت و ملت و مملکت ما را در سایه امام زمان از هر گزند حفظ بفرماید. ارواح مؤمنان عالم، امام راحل، شهدای انقلاب و جنگ را در پرتو رحمت بی‌کرانش با اولیا خاص محشور بفرماید.

غفرالله لنا و لکم السلام و رحمه الله و برکاته